

سکه برنده در دست کیست؟

بررسی تطبیقی دو ترجمه از یک کتاب



O حمید باباوند

قصه ندارم که دوباره درباره ترجمه و مسائل و مشکلات آن قلمفرسایی کنم. همه، کم و بیش، از ضعف و قوت ترجمه در کشورمان آگاه هستند. در این نقد تطبیقی، سعی ام را بر آن گذاشته‌ام تا ابتدا نقاط خطا خیز و اختلاف برانگیز ترجمه را - البته در این نمونه - نشان دهم و سپس بحث و نگرانی‌ام را درباره آینده این وضعیت باز گویم. البته، اگر توانی باشد! ابتدا به تطبیق ترجمه اسامی خواهم پرداخت، سپس به اختلافات دو ترجمه در متن و در آخرین بخش نقد، به چند نکته از ویژگی‌ها و کاستی‌های هر کتاب اشاره خواهم کرد. در پایان نیز نکته‌ای که به بهانه این نقد تطبیقی، به طرح آن خواهم پرداخت.

معمولاً بعد از هر کار موفقی باید منتظر سربالی از کارهای مشابه - بدون توجه به قوت و ضعف آن - باشیم. بعد از «نامه‌های بچه‌ها به خدا»، دو کتاب دیگر به بازار کتاب راه یافت که به ترتیب، نوشته‌های بچه‌ها درباره مادرها و پدرهایشان بود: «مادر من بهترین مادر دنیاست»، ترجمه اشرف رحمانی و کوروش طارمی و «بهترین مامان دنیا»، ترجمه دل آرا قهرمان و روزبه نقشبینه. ترجمه اول، کمی پیش از شروع سال ۱۳۸۲ و کتاب دوم، اندکی بعد به بازار کتاب آمدند.

قبل از نوشتن مقدم بر این دو کتاب، مطابق آن چه وعده داده‌ام، مایلیم مقدمه دو کتاب را بدون هیچ توضیح اضافه و البته ویرایشی بیاوریم. فکر می‌کنم همین بخش کوتاه از دو متن مورد نقد، فضای بحث‌های بعدی را بهتر و بیشتر مشخص کند. ترجمه اول، از اشرف رحمانی و کوروش طارمی:

سرآغاز هر چیز مادر است.

مادر فرزندش را در بطن خود پرورش می‌دهد. سپس برای او غذا، خانه و زندگی و امکانات بهداشتی فراهم می‌کند، همواره و تحت هر شرایطی راهنمای اوست، با او همدردی و همدلی می‌کند و عشق بی‌پایان خود را نثارش می‌کند. تنها خداوند و کودکانی که افکار، مشاهدات و احساسات آن‌ها نسبت به مادران‌شان این کتاب را به وجود آورده است از این راز باخبرند که مادران، این موجودات شگفت‌انگیز که اغلب در خارج از خانه نیز ماهرانه به کاری مشغول هستند، چگونه چنین توان خارق‌العاده‌ای از خود نشان می‌دهند.

در این کتاب نوشته‌های کودکان ۸ تا ۱۳ ساله را می‌خوانید. جای تعجب نیست که مضمون اصلی اندیشه‌های این کودکان قدردانی و عشق است. اما همان طور که انتظار می‌رود و ضرورت ایجاب می‌کند گاه رگه‌هایی از نارضایتی را نیز می‌توان در این نوشته‌ها مشاهده کرد و این نیز منطقی است زیرا چه کسی جز کودک تمامی حرکات و رفتارهای مادر خود را دقیقاً زیر نظر دارد؟

این مجموعه تصویری از مادر را با ابعاد مختلف آن به نمایش می‌گذارد: شوخ، جذاب، تیزهوش، با صداقت، نگران و البته مهربان. این تصویر همان طور که همه ما از ابتدا می‌دانستیم تایید می‌کند که: هیچ پیوندی در جهان مانند پیوند مادر و فرزند نیست.

عنوان کتاب: مادر من بهترین مادر دنیاست
نویسنده: استوارت همیل
مترجم: کوروش طارمی، اشرف رحمانی
تصویرگر: استوارت همیل
ناشر: راشین
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۱
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
بها: ۸۰۰ تومان

عنوان کتاب: بهترین مامان دنیا
نویسنده: استوارت هامیل
مترجم: دل آرا قهرمان، روزبه نقشبینه
تصویرگر: استوارت هامیل
ناشر: میترا
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۱
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
بها: ۱۰۰۰ تومان

لا تین	راشین	میترا	صفحات
Hample	همپل	هامپل	شناسنامه
Louis	لوئیس	لوئیس	۲۲
Alexis	الکسیس	الکسی	۲۳
Molly	مالی	مولی	۴۷
Dianne	دایان	دین	۵۸
Dylan	دیلون	دیلان	۶۶
Julian	جولیان	جولین	۷۲
Johanna	جوانا	یوهانا	۷۳
Patrica	پاتریشا	پاتریشیا	۷۴
Judith	جودیث	جودیت	۸۰
Jesse	جسی	جس	۸۱
Michael	میشل	مایکل	۸۴
Nicole	نیکول	نیکل	۸۹
Marcia	مارشا	مارسیا	۹۳

مترجمین نشر راشین،
بنای خود را وفاداری مطلق
به متن گذاشته‌اند.

بنابراین، در برخی بازگردان‌ها
نتوانسته‌اند از ویژگی‌های
زبان فارسی بهره کاملی بگیرند.
در عوض، مترجمین نشر میترا،
با دست بازتری ترجمه را
عرضه کرده و از این قابلیت‌ها
در حد توان
بهره گرفته‌اند

لا تین	راشین	میترا	صفحات
extra careful	خیلی با احتیاط	خیلی بیشتر... دقت	۲۲
no bread	تمام سطح تا	یک گوشه که نون	۲۳
showing	لبه‌ها	ندارد	
5 th	۵ سالگی	کلاس پنجم	۲۸
pretend	تصور می‌کنم	وانمود می‌کنم	۳۹
Phone company	کارخانه تلفن‌سازی	شرکت تلفن	۶۴

استوارت همپل ...
ترجمه دوم، از دل‌آرا قهرمان و روزبه نقشبند:
در آغاز مادر است.

مادر فرزندانش را در بطنش پرورش می‌دهد، سپس خدمات پخت و پز و خانه‌داری و درمانی را فراهم می‌کند، راهنمایی و همدردی می‌کند، درک می‌کند و عشق بی‌کران می‌ورزد، بدون وقفه و بدون قید و شرط.
چگونه این موجودات شگفت‌انگیز اقدام به انجام چنین کارهای بزرگ و حیرت‌آوری می‌کنند، در حالی که اکثراً با تردستی و مهارت به شغلی در خارج از خانه هم اشتغال دارند، تنها خدای بزرگ می‌داند و فرزندان‌شان که اندیشه‌ها، اظهار نظرها و احساسات آن‌ها درباره مادران‌شان این کتاب را ساخته و پرداخته است.
این بچه‌ها در رده سنی بین ۸ تا ۱۳ سال قرار دارند، عجیب نیست که موضوع اصلی نوشته‌های آن‌ها قدرشناسی و عشق باشد. اما همان‌طور که انتظار می‌رود، نوایی آن را همراه می‌کند که گاه نغمهٔ عدم رضایت نیز از آن شنیده می‌شود، زیرا هیچ‌کس دیگر مانند فرزندان هر حرکت ایشان را زیر ذره‌بین قرار نمی‌دهد.
مجموعه این‌ها چهره رنگارنگی را از مادر نشان می‌دهد: جذاب، بامزه، تیز، صادق، خسته و مسلماً مهربان. این چهره‌ای است که هر آن‌چه ما از ابتدای زمان می‌شناختیم آن را تایید می‌کند، مادر و فرزند پیوندی با هم دارند که شبیه هیچ پیوند دیگری نیست.
استوارت همپل ...

صفحه	میترا	راشین	لاتین
۱۴	تمرین زیادی لازم داره مادرم سوپ رو با ۲ میلیون سبزیجات	خیلی باید تمرین کنم مادرم سوپی درست کرده بود که دو	It takes a lot of practis She made soup million with
۵۴	درست می‌کنه که توش شناور هستن	میلیون سبزیجات مختلف توی آن شنای کردند	about 2 vegetables floating in it
۷۱	بهترین چیز اینه که...	بهترین کاری که مادرم می‌کند این است...	The top thing my mother does...
۷۳	چی برای یوهانا بهترینه؟ اون همیشه مقدمات کاری رو که بیسکویت	بهترین چیز برای جوانا چیست؟ او همیشه فالی را که توی بیسکویت شانسی	What's best for Johanna? she always makes fortune up
۸۲	شانسی بهش می‌گه فراهم می‌کنه	من است برایم تعبیر می‌کند	what the cooky says

ترجمه نام‌ها

نام‌ها به دلایل گوناگون، معمولاً به سختی ترجمه می‌شوند. اولین و شاید مهم‌ترین علت، چیزی نیست جز همان مسئله قدیمی اختلاف گویش در مکان‌ها و زبان‌ها.

جدول زیر، این اختلاف را میان دو ترجمه‌ای که در مقدمه گفته شد، نشان می‌دهد. برای سهولت به جای آوردن نام مترجمین و یا کدگذاری، نام ناشر را آورده‌ام. لازم است بر این مطالب تاکید کنیم که شماره صفحات و صفحه‌آرایی دو کتاب - غیر از صفحات اولیه - کاملاً یکی است.

(جدول ۱)

بدون توجه به میزان اختلاف‌ها و باز هم بی توجه به علل آن، دو گونه عمده از اختلاف قابل تفکیک است. اول، اختلاف در گویش لاتین نام و دیگری، اختلاف در گویش (نگارش) فارسی آن‌ها.

اختلاف ترجمه متون

عمده اختلاف‌های این بخش، در سه گروه قرار می‌گیرند. برای پرهیز از زیاده‌گویی، در هر گروه تنها به پنج نمونه اشاره کرده‌ام.

الف - اختلاف در دریافت و ترجمه کلمه یا فعل:

(جدول ۲)

ب - اختلاف در شناخت فاعل (نهاد) و زمان فعل یا نقش کلمات:

(جدول ۳)

ج - اختلاف سلیقه در برگردان و تبدیل به فارسی:

(جدول ۴)

چند نکته:

مترجمین نشر راشین، بنای خود را وفاداری مطلق به متن گذاشته‌اند. بنابراین، در برخی بازگردان‌ها نتوانسته‌اند از ویژگی‌های زبان فارسی بهره کاملی بگیرند. در عوض، مترجمین نشر میترا، با دست بازتری ترجمه را عرضه کرده و از این قابلیت‌ها در حد توان بهره گرفته‌اند؛ گر چه به نظر می‌رسد در پاره‌ای موارد، بیش از حد دست و دل بازی داشته‌اند و خواننده دیگر با یک متن اصیل رو به رو نیست.

طرح جلد نشر میترا، با استفاده از حروف طراحی شده، به مراتب زیباتر از نشر راشین است. نشر راشین کوشیده تا در هیچ موردی، تصویری متناظر با فرهنگ جامعه ایران امروز ارائه نکند. بنابراین، با بازسازی برخی تصاویر، تفاوت‌های ریز و درشتی با تصاویر نشر میترا دارد. از جمله می‌توان به تصویر روی جلد اشاره کرد که مادر و فرزند تصویر روی جلد نشر میترا، در طرح جلد نشر راشین، به تصویر دو کودک هم سن و سال نزدیک شده است. در تصویر صفحه ۴۵، دختر بچه تصویر نشر میترا، در نشر راشین، به پسر تبدیل شده است.

نشر میترا از مزایای چاپ رنگی، روی کاغذ سفید بهره برده، اما نشر راشین به چاپ تک رنگ روی کاغذ نامرغوب، قناعت کرده است.

مترجمان نشر راشین، تقدیم‌نامه ترجمه‌شان را بعد از تقدیم‌نامه مولف گذاشته‌اند که به نظر می‌رسد شکل بر عکس آن، پسندیده‌تر باشد.

دل مشغولی

ما قرار است با قانون حق مولف چه کنیم؟

این قانون، دیر یا زود، در کشور ما هم لازم الاجرا می‌شود. مسائل داخلی نشر ما طبیعتاً چندان تغییری نخواهد داشت؛ درباره پیامدهای این قانون و بازار ترجمه و نشر هم تا به حال به وفور - درست یا نادرست - بحث شده است. اما در این میان، نکته‌ای مغفول مانده است و شاید هم کسی نخواسته تا درباره این موضوع حرف بزند.

فکر می‌کنم ما با دو شیوه بتوانیم در بازار جهانی کتاب وارد شویم. اول این که ناشرین و بنگاه‌های ادبی، با انعقاد

صفحه	میترا	راشین	لاتین
۱۴	تمرین زیادی لازم داره	خیلی باید تمرین کنم	It takes a lot of practis
۵۴	مادرم سوپ رو با ۲ میلیون سبزیجات درست میکنه که توش شناور هستن	مادرم سوپی درست کرده بود که دو میلیون سبزیجات مختلف توی آن شامی کردند	She made soup with about 2million vegetables floating in it
۷۱	بهترین چیز اینه که...	بهترین کاری که مادرم می‌کند این است...	The top thing my mother does...
۷۳	چی برای یوهانا بهترینه؟	بهترین چیز برای یوهانا چیست؟	What's best for Johanna?
۸۲	اون همیشه مقدمات کاری رو که بیسکویت شانس می‌پوش می‌کنه	او همیشه فالی راکه توی بیسکویت شانس می‌نویسه	she always makes up what fortune the cooky says

قراردادهایی، امتیاز ترجمه و نشر یک کتاب را به عهده بگیرند. دوم این که مترجمان، این امتیاز را خریداری کنند. اجازه بدهید با یک مثال موضوع را روشن کنم. هری پاتر با ترجمه‌های متعددی به بازار آمده است. طبیعی است که خوانندگان در این بین حق انتخاب دارند تا ترجمه مطلوب‌شان را پیدا کنند. فرض بگیرید که اگر قرار بود مطابق قانون حق مولف، حق انتشار این کتاب به یک مترجم یا ناشر واگذار شود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ برنده این عرصه کسی است که ارتباطات قوی‌تر دارد. حال، فرض بگیرید یک مترجم نه چندان زبردست، قصد می‌کند بهترین یا پرفروش‌ترین کتاب سال را ترجمه کند و از قضا، به دلیل ارتباطات منسجم‌تر، می‌توانست این حق را از ناشر یا مولف غیر ایرانی خریداری کند. چه کسی در این میان متضرر می‌شد؟ آیا می‌توان با استفاده از انجمن‌های فرهنگی و یا قوانین داخلی، مترجمان را دسته‌بندی کرد؟ آیا می‌توان اجازه نداد که یک اثر خوب، با ترجمه‌ای نامناسب وارد بازار شود؟ از سوی دیگر، آیا می‌توان ساز و کاری طراحی کرد که به واسطه آن، مترجمان خوب کشور از حق ترجمه آثار برتر محروم نشوند؟

باز هم اجازه می‌خواهم از زاویه دیگری به موضوع نگاه کنم. آژانس‌های مطبوعاتی در راه هستند. این آژانس‌ها فعلاً وظیفه ارائه آثار مولفان ایرانی به بازارهای جهانی را به عهده دارند. طبیعی است که با ارتباطاتی که به دست می‌آورند، در آینده از این موقعیت برتر برخوردار می‌شوند که زودتر از دیگران، به بازار جهانی دسترسی داشته باشند. آیا این بنگاه‌ها در آینده نمی‌توانند در بازار نشر به سودجویی بپردازند و بازار نشر داخلی را با بحران‌های بیشتری رو به رو کنند؟ ما برای آینده چه داریم و سکه برنده ما در این بازار کدام است؟ امیدوارم اهالی حوزه نشر و نوشتار، قبل از آن که دیر شود، خودشان حل مشکل را به عهده بگیرند.